

گفتگو: پیمان جنوبی

عضو هیات علمی دانشگاه تهران مطرح کرد:

از نفت خام باید طوری استفاده کنیم که امکان باز تولید ثروت ممکن شود

عمل نخواهد پوشید. مدیر با تفکر کوتاه مدت و ناکارآمد به این می‌اندیشد که هر چه می‌تواند بیشتر وارد کند تا امروز خود را موفق جلوه دهد و آینده برایش خیلی مهم نیست. در اینجا می‌خواهیم ذهنیت مدیریت کوتاه مدت را وقتی به مسائل توسعه می‌اندیشند نشان بدهیم و بگویم که چون به مصرف می‌اندیشند و به کوتاه مدت، پس نتیجه نمی‌دهد و آن وقت درآمد نفت در چنین فضایی می‌آید و مصرف می‌شود. راهی که تنها تعریفی که می‌توان برای آن به کار برد، توسعه مصرف است. البته کارهای بزرگی صورت گرفته و با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. اما بحث ما بحث مدیریت کلان است. بحث تولید کننده ای است که ضعیف مانده است و نمی‌تواند از تولید خود دفاع بکند و این به نفع واسطه است. مصرف کننده‌ای را داریم که به مصرف کالاهای خارجی آلوده شده و منافع ملی را در این میان گم کرده است. مصرف کننده اصلا در فکرش نیست که زمانی که این کالای خارجی را می‌خرد، یعنی کمک کرده به اجنبی و بیگانه. نمی‌داند چرا این کالای خارجی را خریده است و نمی‌داند اگر کالای ایرانی بخرد اشتغال به وجود می‌آورد. توجیه نیست که اگر کالای خارجی بخرد ایرانی بیکار می‌شود، این در ذهنش نیست و فقط به این می‌اندیشد که بروم این جنس را بخرم چون ارزاتر است، حال کیفیتش بهتر است یا نه، آن زیاد مطرح نیست.

مورد بعدی که بسیار مهم است اینکه بالا ترین سودها در تولید نیست. اگر در تولید بود، آدم‌ها می‌رفتند در تولید. اما در واسطه‌گری و وارد کردن کالا سود بیشتری وجود دارد و بازار تمایلش بیشتر به آن سمت است. در این شرایط فضایی به وجود آمده که در حال حاضر می‌بینیم. یعنی درآمد نفت به این شکلی که تا حال استفاده شده، به جای اینکه عاملی برای توسعه باشد، تبدیل شده به ضد توسعه و ضد تولید.

طبقاتی بالا و با کالاهای وارداتی امکان پذیر نیست. حال وقتی ما می‌گوییم توسعه، از چه راهی می‌توانیم به این توسعه دست یابیم، اینجا دو راه وجود دارد: اول: در ایران در ۸۰ تا ۹۰ سال اخیر که درآمد نفت داشته ایم و به خط توسعه قدم گذاشته ایم، هرگاه به توسعه فکر کرده ایم همزمان به مصرف فکر کرده ایم و در واقع توسعه مصرف مورد نظر ما بوده است. یعنی در ذهن برخی مسوولین بهبود وضعیت مردم برابر است با افزایش واردات، واردات به صورت مواد اولیه و ماشین‌آلاتی که در ایران نصب می‌شود، ولی قطعات و مواد آن از خارج وارد می‌شود و هر زمان که قطعه خراب شد باز هم از خارج وارد می‌کنیم و تکنولوژی‌اش را هم از خارج می‌آورند و کهنه می‌شود. امکان صادرات هم نیست و فقط برای مصرف داخلی است.

فرهنگ بسیار پائینی رویه رو هستیم. نکته دیگر این است که مصرف هدف نیست و مصرف بیشتر، نمی‌تواند دلیلی بر توسعه یافته تر بودن باشد. به واقع اینکه هیچ فردی در جامعه نباید دچار فقر باشد و باید تمام جمعیت از حداقل امکانات برخوردار باشند. مسکن مناسب، تغذیه مناسب، آموزش مناسب و یک بار در روز هم بیشتر کار نکنند، همان چیزی که در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده و بسیار هم ارزشمند است. ولی اینکه همه آدم‌ها بتوانند خودروی شخصی داشته باشند و هر خانواده دو دستگاه تلویزیون داشته باشد و ما هدفمان این باشد که به هر کسی یک قایق تفریحی بدهیم و تجهیزات پیشرفته ماهواره ای بدهیم و غیره، این اصلا چیزی نیست که از توسعه مورد نظر است هر چند غرب در حال ترویج آن است؛ یعنی مصرف زدگی و مصرف گرایی. آنچه که اساس توسعه می‌باشد این است که فقیری در کشور وجود نداشته باشد، امکانات برای همه باشد متوسط عمر انسان‌ها بالا باشد و مهربانی در جامعه زیاد باشد و اینها با فقر و اختلاف



آن نیز با توجه به روندی که در این سالها طی شده و از ۵ دلار به ۱۴۰ دلار هم افزایش پیدا کرده دور انتظار نیست - با این دیدگاه نفت یک نوع سرمایه است و اگر امروز آن را به قیمت ۹۰ دلار نفروسیم در ۳۰ سال آینده مطمئناً آن را با قیمتهای بسیار بیشتر خواهیم فروخت و یا از آن کالاهایی تولید خواهیم کرد که همه بازارهای جهان نیازمند آن هستند. در واقع به این سادگی نمی‌توان گفت که چون ما برای تولید ۵ دلار هزینه کرده ایم و آن را ۱۰۰ دلار می‌فروشیم، پس ۹۵ دلار سود است و این درآمد است و مطمئناً فروش نفت آن هم به صورت خام، فروش سرمایه است، پس عایدی حاصل از آن درآمد محسوب نمی‌شود. بر این اساس چگونه از عایدات حاصل از فروش نفت استفاده کنیم تا امکان گردش بدون توقف چرخه تولید و باز تولید ثروت وجود داشته باشد و نسل‌های آینده نیز از نفت و گاز بهره ببرند؟ حال که می‌گویید فروش نفت فروش سرمایه است و درآمد محسوب نمی‌شود چه فلسفه‌ای در پی این نگرش وجود دارد و چه مزایایی می‌تواند برای ما داشته باشد؟

اگر ما نفت و گاز را به صورت خام بفروش برسانیم چون نفت بازتولید نمی‌شود ثروت حاصل از آن هم بازتولید نمی‌شود و به دلیل اینکه منابع نفتی ما تهی می‌شود پس نمی‌توانیم فروش نفت را به عنوان درآمد تلقی کنیم، بلکه سرمایه است و باید برای نسل آینده سرمایه را به سرمایه تبدیل کنیم. وقتی توانستیم از سرمایه‌های نفتی برای ایجاد زیرساختها و ایجاد سرمایه جدید و تولید ارزش افزوده در فرایند واقعی تولید محصول استفاده کنیم، ما می‌توانیم مرتب این سرمایه را بازتولید کنیم، پس در این حالت دیگر مهم نیست که چطور از نفت و گاز استفاده می‌کنیم چون فرایندی را راه اندازی کرده ایم که امکان بازتولید ثروت را دارد و امروز ما می‌توانیم از آن بهره ببریم و باز تولید کنیم و فراد هم نسل‌های بعد باز تولید می‌کنند و از آن استفاده می‌کنند و این چرخه همچنان می‌تواند ادامه داشته باشد.

اما ما از نفت طوری استفاده می‌کنیم که انگار تا ابد وجود دارد و هر چقدر هم جمعیت ما اضافه می‌شود، خرج ما از محل فروش نفت بیشتر می‌شود. خوب این دیدگاه غلطی است در استفاده از سرمایه‌ای که موقت است و نسل موجود حق ندارد از نفت به این شکل استفاده کند. مصرفی که صرفاً برای افزایش رفاهی است که پایه‌های تولیدی در داخل ندارد. نکته‌ای که در اینجا خیلی مهم است این که وقتی ما مصرفمان را خیلی بالا می‌بریم تا به رفاه بیشتر برسیم باید ببینیم این کالاهای مصرفی از کجا تامین می‌شود؟ اگر از داخل تامین می‌شود و در داخل تولید می‌گردد، پس عناصر تولید با یکدیگر ترکیب شده اند و ماشین، ابزار، مواد، کارگر و مدیریت صحیح، کالا تولید کرده و ما مصرف می‌کنیم. این دارای آثار مثبت توسعه ای است. ولی اگر ما مصرف را به این شکل در نظر بگیریم که ماشین از خارج بیاوریم، مواد اولیه را از

دانش نفت: وقتی توانستیم از سرمایه‌های نفتی برای ایجاد زیرساختها و ایجاد سرمایه جدید و تولید ارزش افزوده در فرایند واقعی تولید محصول استفاده کنیم، ما می‌توانیم مرتب این سرمایه را بازتولید کنیم، پس در این حالت دیگر مهم نیست که چطور از نفت و گاز استفاده می‌کنیم چون فرایندی را راه اندازی کرده ایم که امکان بازتولید ثروت را دارد. «درآمد در واقع نوعی تولید ارزش افزوده است که از ترکیب عوامل تولید و کسر هزینه‌هایی که صرف تولید کالا شده حاصل می‌گردد. هر جا هزینه‌هایی برای تولید انجام گیرد ولی فروش بیشتر از هزینه‌ها باشد، درآمد کسب شده دائمی است، چون ما دائماً ارزش افزوده ایجاد می‌کنیم و این ادامه دارد. اما در بحث نفت چنین چیزی وجود ندارد.» اینها بخشهایی است از گفته‌های دکتر ابراهیم رزاقی، اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه تهران که با موضوع بررسی عواید حاصل از فروش نفت و تاثیر آن در توسعه اقتصادی کشور مطرح شد و در ادامه به مشروح آن می‌پردازیم: با توجه به تعریف درآمد آیا مالیاتی که از فروش نفت حاصل می‌گردد، می‌تواند به عنوان درآمد تلقی گردد؟

در مورد نفت یک نظریه وجود دارد که برخی نویسندگان مطرح کرده اند و آن این است که این فعالیت مثل فعالیت‌های دیگر صنعتی نیست، یعنی اینکه نفت پایان پذیر است. وقتی که ما آن را استخراج کردیم، به نسبتی که استخراج کرده ایم، معدن تهی می‌شود. حال این سوال پیش می‌آید که هزینه‌هایی که صرف استخراج می‌کنیم، آیا هزینه تمام شده این کالا است که بتوانیم بعد از بهای فروش آن را کسر کنیم و از آن به ارزش افزوده حاصل از فرایند تولید برسیم، یا خیر؟

آیا اگر هزینه تولید نفت را به طور مثال ۵ دلار در نظر بگیریم و آن را ۱۰۰ دلار به فروش برسانیم، آیا به سودی بالغ بر ۹۵ دلار می‌رسیم؟ آیا واقعا این مبلغ ارزش افزوده تولید است؟ یا خیر این رقم نمی‌تواند ارزش افزوده حاصل از فرایند تولید باشد. چون نفت یک کالای تجدیدناپذیر است که تمام می‌شود و تمام شدن آن نشان می‌دهد که درآمد حاصل از فروش آن نمی‌تواند دائمی باشد هر چند که از دید بازاری این ۹۵ دلار ارزش افزوده است!

یک نکته بسیار مهم دیگر این است که حال اگر این نفت را نگه داریم و مثلاً ۳۰ سال دیگر که منابع نفتی دنیا تمام می‌شود، آن را بفروشیم، قیمت نفت به چه میزان خواهد بود؟

یک نظریه وجود دارد که هیچ قیمتی نخواهد داشت، چون تکنولوژی‌هایی هست که انسان را به نفت بی‌نیاز می‌کند، پس بنابراین نفت بی‌ارزش می‌شود. نظریه دیگر این گونه بررسی نمی‌کند و می‌گوید نفت ماده‌ای است که برای جایگزین کردن آن هزینه‌های هنگفتی باید صورت گیرد. انرژی‌های خورشیدی یا ماسه‌های نفتی آمریکا و انرژی‌های اتمی اگر بخواهد استفاده شود، هزینه تولید بیش از اندازه افزایش خواهد یافت و زمانی که این هزینه‌ها بسیار بالا است، نفت می‌تواند با آن رقابت کند. ضمن اینکه نه تنها از نفت سوخت تولید می‌شود، بلکه نفت و گاز به عنوان مواد اولیه در بسیاری از صنایع مورد استفاده قرار می‌گیرد، به طوری که حتی می‌توان از نفت پروتئین نیز تولید کرد. حال این پروتئین که باعث بقای انسان خواهد شد، در ۳۰ سال آینده چه قیمتی خواهد داشت؟ مطمئناً بسیار گرانقیمت خواهد بود. از این دیدگاه نمی‌توانیم بگوئیم که پس هرچه زودتر ذخایر نفتی خودمان را خالی کنیم بهتر است و می‌بینیم که هرچه این ذخایر را نگهداری کنیم ارزش آن بیشتر خواهد شد. با این دیدگاه نفت یک سرمایه است. اگر در ۳۰ سال آینده هر بشکه نفت به رقمی بالغ بر ۱۰۰۰ دلار رسید - که احتمال

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شرکت پالایش گاز پارسیان در نظر دارد از طریق مناقصه عمومی نسبت به تامین اقلام ذیل اقدام نماید، لذا از متقاضیان واجد شرایط دعوت می‌شود حداکثر ظرف مدت ده روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم نسبت به اعلام آمادگی اقدام نمایند. ضمناً جهت کسب اطلاعات تکمیلی می‌توانید به سایت WWW.NIGC-PARSIAN.IR مراجعه نموده و در صورت نیاز با تلفن ۰۷۸۲-۵۱۱۲۷۰۷-۵۱۱۲۷۱۰ و تلفکس ۰۷۸۲-۵۱۱۲۷۰۵ تماس حاصل فرمایید.

الف: مناقصه گزرا: شرکت پالایش گاز پارسیان/ استان فارس- شهرستان مهر.

ب: موضوع مناقصه

ردیف	شماره تقاضا	شرح تقاضا	مبلغ تضمین شرکت
01	9140018/M	SPARE PART FOR DIESEL ENGINE MFR: "MTU" جزئیات تقاضا در وب سایت پالایشگاه درج گردیده است.	231.000.000 در مناقصه (ریال)

ج: شرایط متقاضی

- داشتن تجربه کافی و مرتبط در مورد تولید/ فروش اقلام موضوع مناقصه.
- توانایی تودیع ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه از بانک‌های مورد تأیید بانک مرکزی به میزان یاد شده در جدول فوق و یا واریز نقدی به حساب پالایشگاه گاز پارسیان.
- توانایی تهیه و تسلیم ضمانتنامه انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ کل مبلغ پیشنهادی از بانک‌های مورد تأیید بانک مرکزی (در صورت برنده شدن در مناقصه) و یا واریز نقدی به حساب پالایشگاه گاز پارسیان.
- هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
- اسناد حداکثر ۱۰ روز پس از آخرین مهلت اعلام آمادگی مناقصه گرها از طریق (پست) به آدرس آنها ارسال می‌گردد.
- محل گشایش پاکت، کمیسیون مناقصات شرکت پالایش گاز پارسیان می‌باشد که زمان آن متعاقباً اعلام می‌گردد.

روابط عمومی شرکت پالایش گاز پارسیان